



۱۲۸۵.

بجنورد

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور بجنورد

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

حکمت در دیوان ناصر خسرو

و میزان تأثیرپذیری او از نهج البلاغه

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر محمد ریحانی

استاد مشاور :

۱۳۸۸/۹/۳ • جناب آقای دکتر محمد جواد عرفانی

نگارش :

سیدابراهیم سجادی زاده

« بهمن - ۱۳۸۷ »

پیوست ج ( تصویب پایان نامه )



بسمه تعالی

## تصویب پایان نامه

پایان نامه : تحت عنوان حکمت در دیوان ناصر خسرو و میزان تأثیر پذیری او از نهج البلاغه  
که در مرکز بجنورد تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد .

تاریخ دفاع : ۸۷/۱۱/۱۶ نمره : ۱۱،۵ هیئت داوران : درجه ارزشیابی : عالی

اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی

هیات داوران

مرتبہ علمی

امضاء

۱- آقای دکتر محمد ریحانی

استاد راهنما

استادیار

۲- آقای دکتر محمد جواد عرفانی

استاد مشاور

استادیار

۳- آقای دکتر جلیل مسعودی فرد

استاد ممتحن (داور)

استادیار

۴- آقای دکتر حسن بساک

نماینده گروه علمی

استادیار

تغییرات لازم :



تاریخ :  
شماره :  
پیوست :

بسمه تعالی

## صورتجلسه دفاع از پایان نامه

پایان نامه : حکمت در دیوان ناصر خسرو و میزان تاثیر پذیری او از نهج البلاغه

که توسط خانم / آقای سید ابراهیم سجادی زاده دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی مرکز  
بجنورد تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد .

تاریخ دفاع : ۸۷/۱۱/۱۶  
نمره : ۱۸,۵  
درجه ارزشیابی : عالی

اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی

هیات داوران

مرتبه علمی

امضاء

۱- آقای دکتر محمد ریحانی

استاد راهنما

۲- آقای دکتر محمد جواد عرفانی

استاد مشاور

۳- آقای دکتر جلیل مسعودی فرد

استاد ممتحن (داور)

۴- آقای دکتر حسن بساک

نماینده گروه

استادیار

استادیار

استادیار

استادیار

## تقدیم به:

روح پاک پدرم که آن چه را می دانست و می توانست صمیمانه  
آموخت، مادرم که رنجور و مهربان بود.  
خانواده ام که یاری ام کردند و همسرم که همواره همراه بود.  
و استادان گرامی ام که راهنما بودند و راهگشا  
و دوستانم که یک دل و یک صدا.

باسمه تعالی

نام خانوادگی: سجادی زاده	نام: سیدابراهیم
عنوان پایان نامه: حکمت در دیوان ناصر خسرو و میزان تأثیر پذیری او از نهج البلاغه	استاد راهنما: دکتر محمد ریحانی
استاد مشاور: دکتر محمد جواد عرفانی	نماینده‌ی گروه آموزشی: دکتر حسن بساک
استاد داور: دکتر جلیل مسعودی فرد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
گرایش: محض	درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد
تاریخ دفاع: ۸۷/۱۱/۱۶	دانشگاه: پیام نور
	مرکز: بجنورد
	دانشکده: / مرکز
تعداد صفحه: ۱۲۱ صفحه	
کلید واژه‌ها: حکمت، ناصر خسرو، نهج البلاغه، شعر، علم، خرد، دانش، سخن، دین	
چکیده:	
<p>حکیم ناصر خسرو قبادیانی متولد ۳۹۴ هجری از نخستین شاعرانی است که به تعبیر مولانا سه دوره خامی، پختگی و سوختن را پشت سر گذاشته و اشعار حکیمانه‌ی خود را در خدمت عقیده و مکتب خویش قرار داده است.</p> <p>«حکمت عبارت است از دانستن چیزها چنان که هست (حکمت نظری) و اقدام نمودن به کارها چنان که باید (حکمت عملی) به اندازه‌ی توانایی انسان به منظور رسیدن به کمال مطلوب» (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۷).</p> <p>ناصر خسرو در دیوان خود حکمت را همچون منشوری برای به کارگیری در کارگاه زندگی در مضمون‌های مختلفی همچون «خداشناسی، انسان‌شناسی، قرآن، هستی‌شناسی، پیامبر و امام‌شناسی، دنیا، علم و دانش، سخن، هنر، قضا و قدر، جبر و اختیار، عمر انسان، جان و تن، جوانی و پیری، نیکی، پندپذیری، صدق و راستی، پرهیزگاری، شرم و حیا، چشم بصیرت، مکافات عمل، شکرگزاری، سخاوت، قناعت، قول و عمل، حقیقت‌جویی، بلندهمتی، عبرت‌آموزی، امید و ناپیدایی نظیر؛ نژادپرستی، ستمگری، غفلت، مردم‌آزاری، نیرنگ و... در حوزه‌های فردی و اجتماعی در اختیار همگان قرار داده است.</p> <p>کتاب شریف نهج البلاغه پس از قرآن مجید مهم‌ترین چشمه حکمت و معرفت الهی است و ناصر خسرو حضرت علی «ع» را در شهر علم نبوی می‌دانسته است و همین امر سبب شده تا از سخنان حکیمانه‌ی او استفاده شایانی ببرد. بررسی جنبه‌های تأویل‌گرایانه و هرمنوتیکی شعر ناصر خسرو با استفاده از عناصر زیبایی سخن، ما را با معانی عمیق و گسترده کلام او و پرهیز از سطحی‌نگری بیشتر آشنا می‌کند.</p> <p>انسان با شناخت بیشتر حکمت و اقدام به توصیه‌های حکیمانه که نتیجه تعالیم الهی و آموزه‌های برگرفته از افکار انسان‌های اندیشمند و بینش‌مند و خردگراست می‌تواند زندگی فردی و اجتماعی بهتری داشته باشد و شعر ناصر خسرو از این جهت که شاعر حکیم هنر خویش و توانایی‌های زبانی را در اختیار و خدمت اندیشه قرار داده است بسیار ارزشمند است. ناصر خسرو همچنان که آب و هوا را برای زنده ماندن جسم لازم می‌داند سخن خوب و خردمندانه را نیاز زندگی جان و دل می‌شمارد.</p>	
والسلام	

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
*****	
۱	پیشگفتار
۴	فصل اول - اهداف و کلیات
۵	۱-۱- بیان مسأله
۵	۱-۲- سابقه و ضرورت تحقیق
۵	۱-۳- اهداف
۶	۱-۴- روش تحقیق
۶	۱-۵- زندگی‌نامه حکیم ناصر خسرو
۱۲	فصل دوم - حکمت چیست؟
۱۳	۲-۱- تعریف حکمت
۱۴	۲-۲- طبقه‌بندی حکمت
۱۶	۲-۳- رابطه‌ی حکمت و فضیلت و سعادت
۱۷	۲-۴- مراحل کسب فضیلت حکمت
۱۸	۲-۵- رابطه حکمت و اخلاق
۱۹	۲-۶- حکمت در آثار برخی از معاصران
۲۱	فصل سوم - حکمت در دیوان ناصر خسرو
۲۲	۳-۱- مقدمه
۲۳	۳-۲- تجلی حکمت نظری در دیوان ناصر خسرو
۲۴	۳-۲-۱- خداشناسی
۲۵	۳-۲-۲- قرآن
۲۶	۳-۲-۳- پیمبرشناسی
۲۷	۳-۲-۴- امام‌شناسی
۲۸	۳-۲-۵- امامت از دیدگاه اسماعیلیه
۲۹	۳-۲-۶- امام و تأویل و تفسیر شریعت در دیدگاه اسماعیلیه
۳۰	۳-۲-۷- انسان‌شناسی
۳۱	۳-۲-۸- زندگی انسان
۳۱	۳-۲-۹- جان و تن
۳۲	۳-۲-۱۰- جوانی و خرد

۳۳	۱-۲-۳- هستی‌شناسی
۳۴	۱-۲-۳- دنیا
۳۵	۱-۲-۳- نگاه مثبت به دنیا
۳۶	۱-۲-۳- نگاه انتقادی به دنیا
۳۸	۱-۲-۳- بهشت و جهنم
۳۹	۱-۲-۳- مرگ و معاد
۴۰	۱-۲-۳- علم و دانش
۴۲	۱-۲-۳- هنر
۴۳	۱-۲-۳- خرد
۴۴	۱-۲-۳- دین
۴۵	۱-۲-۳- سخن
۴۷	۱-۲-۳- قضا و قدر
۴۹	۱-۲-۳- جبر و اختیار
۵۰	۳-۳- تجلی حکمت عملی در دیوان ناصر خسرو
۵۰	۱-۳-۳- توصیه‌های اخلاقی - بایدها
۵۰	۱-۱-۳-۳- امید
۵۱	۱-۳-۳- بلند همتی
۵۲	۱-۳-۳- پارسایی
۵۲	۱-۳-۳- پاک‌ی
۵۳	۱-۳-۳- پندپذیری
۵۳	۱-۳-۳- توجه به مکافات عمل
۵۴	۱-۳-۳- حقیقت‌جویی
۵۵	۱-۳-۳- رعایت حلال و حرام
۵۵	۱-۳-۳- ژرف‌اندیشی
۵۶	۱-۳-۳- سخاوت
۵۶	۱-۳-۳- شرم و حیا
۵۷	۱-۳-۳- شکرگزاری
۵۷	۱-۳-۳- صدق و راستی
۵۸	۱-۳-۳- طاعت و عبادت
۵۹	۱-۳-۳- عبرت آموزی



۶۰	۳-۳-۱-۱۶-قناعت
۶۰	۳-۳-۱-۱۷-قول و عمل
۶۱	۳-۳-۱-۱۸-مدارا
۶۲	۳-۳-۱-۱۹-نیکی
۶۲	۳-۳-۱-۲۰-همنشینی با خوبان (آیین دوست‌یابی)
۶۳	۳-۳-۲-آموزه‌ها و اندرزهای اخلاقی (نبایدها)
۶۳	۳-۳-۱-۲-آرزوهای طولانی
۶۴	۳-۳-۲-۲-آز
۶۴	۳-۳-۲-۳-افتخار به اصل و نسب / نژادپرستی
۶۵	۳-۳-۲-۴-تن‌پروری
۶۵	۳-۳-۲-۵-حسد
۶۶	۳-۳-۲-۶-دو‌رویی
۶۷	۳-۳-۲-۷-ستمگری
۶۷	۳-۳-۲-۸-غفلت
۶۸	۳-۳-۲-۹-مردم‌آزاری
۶۹	۳-۳-۲-۱۰-نیرنگ
۶۹	۳-۳-۳-اخلاق خانوادگی، اجتماعی و سیاسی
۷۰	۳-۳-۳-۱-انتقاد از اوضاع زمانه
۷۱	۳-۳-۳-۲-انتقاد از حاکمان
۷۲	۳-۳-۳-۳-رفتار با مردم
۷۳	۳-۳-۳-۴-ستمکاران
۷۴	۳-۳-۳-۵-ستایش نابجا
۷۵	۳-۳-۳-۶-عدل
۷۶	فصل چهارم - تأثیرپذیری ناصر خسرو از نهج‌البلاغه
۷۷	۴-۱-مقدمه
۷۸	۴-۲-دین و معرفت خدا
۷۸	۴-۲-۱-خداشناسی
۸۰	۴-۳-پیامبرشناسی
۸۰	۴-۴-انسان‌شناسی
۸۰	۴-۴-۱-خودشناسی

۸۱	۵-۴. هستی‌شناسی
۸۱	۶-۴. میزان ارزش انسان‌ها (تخصص و تجربه)
۸۱	۷-۴. نشانه‌های بی‌خردی فرد
۸۲	۸-۴. مردم‌آزاری
۸۲	۹-۴. نیرنگ
۸۲	۱۰-۴. حسد
۸۳	۱۱-۴. هوای نفس و آرزوهای طولانی
۸۳	۱۲-۴. پرخوری
۸۳	۱۳-۴. دورنگی
۸۴	۱۴-۴. قول و عمل
۸۴	۱۵-۴. بهشت
۸۵	۱۶-۴. دُنیا
۸۹	۱۷-۴. علم و دانش
۹۲	۱۸-۴. غفلت
۹۳	۱۹-۴. مرگ و معاد
۹۳	۲۰-۴. ارزش عمر
۹۴	۲۱-۴. پند
۹۴	۲۲-۴. قضا و قدر
۹۵	۲۳-۴. جبر و اختیار
۹۵	۲۴-۴. معیارهای روابط اجتماعی
۹۶	۲۵-۴. سخن
۹۶	۲۶-۴. پرهیز از بدرفتاری با مردم (هم‌پیمانان)
۹۶	۲۷-۴. عبرت از گذشتگان
۹۷	۲۸-۴. توصیه‌های اخلاقی
۹۷	۲۹-۴. نفاق
۹۸	۳۰-۴. شکرگزاری
۹۸	۳۱-۴. پیروان شیطان
۹۹	۳۲-۴. نماز
۹۹	۳۳-۴. ژرف‌اندیشی
۱۰۰	۳۴-۴. عدل

۱۰۰	۳۵-۴ سخاوت
۱۰۱	۳۶-۴ طاعت و بندگی خداوند
۱۰۱	۳۷-۴ همنشینی با خوبان
۱۰۱	۳۸-۴ انتقاد از زمانه‌ی نامناسب
۱۰۲	۳۹-۴ حیا
۱۰۲	۴۰-۴ حلال و حرام
۱۰۲	۴۱-۴ امید به خدا
۱۰۳	۴۲-۴ راستگویی
۱۰۳	۴۳-۴ ارزش عالم و بی‌ارزشی جاهل
۱۰۳	۴۴-۴ ارزش‌ها
۱۰۳	۴۵-۴ آل رسول
۱۰۴	۴۶-۴ ضرورت امامت
۱۰۴	۴۷-۴ امام‌شناسی - آل رسول
۱۰۵	۴۸-۴ حکمت
۱۰۵	۴۹-۴ حفظ زبان
۱۰۵	۵۰-۴ ستمگری
۱۰۷	فصل پنجم - صور خیال در شعر ناصر خسرو
۱۰۸	۱-۵ صور خیال در شعر ناصر خسرو
۱۱۲	فصل ششم - خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۱۳	۱-۶ نتیجه‌گیری
۱۲۰	فهرست منابع

## پیشگفتار



اندیشه مرا شجر خُوب برور است      پرهیز و علم ریزد از او برگ و بر مرا (۱۱/۶)<sup>۱</sup>  
شکر آن خدای را که سوی علم ودین خود      ره داد و سوی رحمت بگشاد در مرا (۱۷/۶)  
شکر بی شمار به درگاه هستی بخشی که تجلیِ حسنش با نظری، همه را از کتم عدم به لوح  
وجود آورد و شیفته خود ساخت، هدایت‌گری که زیبا و خوب آفرید و برای هدایت به خوبی‌ها  
رسولانی از درون و برون برانگیخت، زندگی‌بخشی که دو نعمت زبان و اندیشه را در اختیار ما  
گذاشت تا درست و زیبا زندگی کنیم.

در طول تاریخ هرگاه زبان و اندیشه در یک تعامل درست در خدمت زندگی انسان قرار گرفته؛  
یعنی اندیشمندان با استفاده از کارکردهای زبان خوب حرف زده‌اند و زبان‌دانان نیز سخنان خویش  
را با خرد و حکمت همراه ساخته‌اند مورد استقبال مردم قرار گرفته و جامعه، دوران خوبی را سپری  
کرده است. محتوای کتاب‌های آسمانی و منشورهای دعوت مصلحان اجتماعی دلیل این مدعاست.  
در ایران که از دیرباز جایگاه علم و تمدن و دین و دانش بوده و مراکز علمی و دانشمندان آن  
زینت‌بخش دفتر دانش بوده‌اند، شاعران و ادیبان خردگرا جایگاه ویژه‌ای دارند.

«از آن‌جا که ادبیات فارسی، مادر زایشهای فکری و عاطفی قوم ایرانی بوده و در درازنای تاریخ،  
ناب‌ترین استعدادهای علمی این ملک را به کام می‌کشانده است و وامی داشته تا در نهایت، یافته‌ها و  
دریافته‌های خویش را از این معبر گذر دهند و به گوش و جان خلائق برسانند و بچشانند»  
(محبتی، ۱۳۸۲: ۱۴)

در مورد ادبیات و کارکردهای آن نظرات متفاوتی وجود دارد و بر همین اساس، مکاتب مختلف  
ادبی شکل گرفته است. گرچه بحث مکتب‌های ادبی بیشتر مربوط به اروپا و از نظر زمانی مربوط به  
دو قرن اخیر است اما تفاوت در نگاه به ادبیات در ایران از دیرباز وجود داشته است. به عنوان مثال  
شعر و ادب در نزد شاعرانی همچون منوچهری دامغانی، فرخی سیستانی و عنصری بیشتر وسیله‌ای

<sup>۱</sup> - (قصیده‌ی شش/ بیت ۱۱)

برای گرم نگاه داشتن بزم شاهان و امیران و خوشباشی‌های آنان بوده است؛ اما شاعرانی چون فردوسی بزرگ، کسایی و ناصر خسرو و بعدها سنایی، عطار، مولوی و سعدی و حافظ شعر و ادب را در خدمت رشد و تعالی انسان قرار داده‌اند و حکیم ناصر خسرو یکی از این نامداران است.

بر این پایه در مشورت با استادان گرامی تصمیم گرفتم با تحقیق در زندگی و شعر ناصر خسرو نظرات ارزشمند و دلسوزانه‌اش را درباره انسان و اهداف جامعه‌ی انسانی و این که چگونه باید با تکیه بر دین و دانش و خرد راه را برای پیشرفت هموار کرد، با یک روش علمی دسته‌بندی نمایم تا زمینه‌ی استفاده و داوری درباره‌ی نظراتش بیشتر فراهم گردد.

ناصر خسرو در هر قصیده که به منزله‌ی یک سخنرانی کامل است تقریباً درباره‌ی همه‌ی مسائل مبتلابه زندگی انسان سخن گفته است که معمولاً مواردی چون خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، مرگ و معاد، جبر و اختیار، پیری و جوانی، علم و دانش، سخن، رفتار با مردم، حکومت، اخلاق و... را دربرمی‌گیرد، پنداست که دسته‌بندی و تحلیل اشعاری که موضوع و مضمون نزدیک‌تری دارند بیشتر می‌تواند ما را با نظرات او آشنا کند.

در مطالعات مستمر به نظم رسید که تأثیرپذیری این شاعر اندیشه‌مدار از کتاب گرانقدر نهج‌البلاغه بیش از آن است که در نمونه‌ها آورده شده است. توضیحات بیشتر در مقدمه‌ی بخش‌های مختلف همین تحقیق آمده است، تمام قصاید دیوان ناصر خسرو تصحیح استادان محترم مجتبی مینوی و مهدی محقق چاپ ۱۳۸۴ را با دقت مطالعه نمودم و موضوع‌ها و مضمون‌های آن را در سمت راست یادداشت کردم و سپس به دسته‌بندی و یادداشت برداری از آن‌ها پرداختم.

پس از اتمام این کار با نظر و نظارت استاد راهنمایم جناب آقای دکتر ریحانی با استفاده از منابعی چون لغت‌نامه‌ی دهخدا، مقدمه‌ی سیدحسن تقی‌زاده، سفرنامه ناصر خسرو و تحلیل اشعار ناصر خسرو، زندگی‌نامه‌ی نسبتاً متنوعی از این نظر که به زوایای مختلف زندگی او اشاره شده است فراهم آوردم و سپس با مراجعه به کتاب‌هایی چون لغت‌نامه، اخلاق ناصری، کیمیای سعادت، دایره المعارف فارسی، گنجینه‌ی حکمت در آثار نظامی، آشنایی با علوم اسلامی و... فصلی در تعریف حکمت و انواع آن پرداختم.

در مرحله‌ی بعد برگه‌های دسته‌بندی شده را تحلیل نمودم و با تبیین نظرات ناصر خسرو، موضوعات حکمت نظری و عملی را، به ترتیبی که در فصل مربوط آمده؛ پشت سرهم قرار دادم. در این دسته‌بندی به خاطر پرهیز از اطناب، ابیاتی را که ارتباط بیشتری با موضوع داشتند تحلیل نمودم و در پایان هر بخش شماره‌های قصیده‌ها و بیت‌های دیگری را که به نوعی به موضوع مربوط می‌شدند جهت مطالعه‌ی بیشتر نوشتم. سپس ابیات دسته‌بندی شده را با مضامین نهج‌البلاغه،

ترجمه‌های دکتر سید جعفر شهیدی و محمد دشتی مقایسه کردم و به صورت تطبیقی در کنار هم آوردم و فصل مربوط را «میزان تأثیرپذیری ناصر خسرو از نهج البلاغه» نام نهادم. (مطالب خطبه‌ها و نامه‌ها بیشتر از ترجمه‌ی شهیدی و حکمت‌ها از ترجمه‌ی دشتی آورده شده است.)

به منظور بررسی اجمالی تأویل‌گرایی ناصر خسرو و استفاده‌ی او از آرایه‌های ادبی فصلی را با عنوان «صور خیال در شعر ناصر خسرو» افزودم که البته منظور بررسی همه جانبه‌ی صور خیال در شعر او نبوده است زیرا خود این مهم پایان‌نامه یا رساله‌ی گسترده و ارزنده‌ای خواهد شد.

سرانجام با راهنمایی‌های عالمانه و مشفقانه‌ی استادان محترم راهنما و مشاورم آقایان دکتر محمد ریحانی و دکتر محمدجواد عرفانی بیضائی به حذف و اضافه و اصلاح مجموعه پرداختم.

در پایان از همه عزیزانی که مرا در تحقیق این پایان‌نامه یاری نموده‌اند قدردانی می‌نمایم خصوصاً از راهنمایی‌های صبورانه و دلسوزانه‌ی استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر محمد ریحانی، استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر محمدجواد عرفانی بیضائی و جناب آقای دکتر جلیل مسعودی‌فرد مدیر محترم گروه ادبیات و همه‌ی مسؤولان محترم دانشگاه پیام نور بجنورد کمال تشکر را دارم. از دوستان گرامی آقایان مجتبی کریمی و آشور محمد گلدی به جهت همکاری در تهیه‌ی منابع و حروف نگاری متشکرم.

و از اعضای محترم خانواده‌ام که محدودیت‌های زیادی را در راه تحصیل و کار بنده تحمل کرده‌اند و خصوصاً همسر گرامیم که همه‌ی موفقیت‌هایم بعد از خدا از اوست ممنونم.

سیدابراهیم سجادی‌زاده

۱۳۸۷/۱۱/۱۰

# فصل اول

اهداف و کلیات

## ۱-۱- بیان مسأله

ناصرخسرو، خرد و حکمت را راهنمای انسان می‌داند و تصریح می‌کند که شعر - که نعمتی خدا دادی است - بهترین ابزار بیان مفاهیم حکمی است<sup>۱</sup> این حکمت و به کارگیری آن در زندگی، خواست او و موضوع این تحقیق است. شناخت منابعی که به بیان حکیمانانه‌ی ناصرخسرو قوام و دوام بخشیده، ما را با اندیشه‌های او بیشتر آشنا می‌کند. نمونه آشکار سخنان امیر مؤمنان در رویه‌ی کلام ناصرخسرو، انگیزه‌ی جست‌وجو در هزار توی کلام اوست.

## ۱-۲- سابقه و ضرورت تحقیق

بر اساس جست‌وجوهای انجام شده، تحقیقی با این عنوان بویژه در قالب پایان‌نامه یافت نشد البته بررسی‌هایی در مورد کاربرد واژه‌های خرد و دانش و علم در دیوان ناصرخسرو صورت گرفته اما در این تحقیق موضوع‌ها و مضامین مختلفی در محدوده‌های حکمت نظری و عملی، همچون خداشناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، پیامبرشناسی و امام‌شناسی، قرآن، دنیا، مرگ و معاد، هنر، قضا و قدر، جبر و اختیار، تن و جان، پیری و جوانی، مدارا، رفتار با مردم، ژرف‌اندیشی و ... در آینه‌ی حکمت ناصرخسرو مورد بررسی قرار گرفته و میزان تأثیرپذیری حکیم ناصرخسرو از نهج‌البلاغه نیز تا حد توان نموده شده است.

## ۱-۳- اهداف

۱- روش‌تر شدن جایگاه حکمت در مفاهیم فلسفه‌ی زندگی و تکیه بر روش خردورزی و اندیشه محوری در شعر پارسی و استفاده همزمان ناصرخسرو از امکانات زبان و ادبیات و تفکر و تدبّر سالم و این همه را در اختیار زندگی هدفمند قرار دادن.

---

<sup>۱</sup>به شعر حجت پرگشت دفتر از حکمت که خاطرش در پنداست و معدن حکم است (۳۴/۱۹۲)



۲- اثبات این نظریه که، شعر ناصر خسرو بی‌روح نیست؛ او در بسیاری از بیت‌هایش آرایه‌های ادبی و صور خیال را در یک قالب زیبای هنری، در خدمت مفاهیم حکیمانه و اهداف اجتماعی قرار داده است.

۳- «آشنایی بیشتر با تأثیری که ناصر خسرو با سرودن اشعار حکیمانه‌ی دیوان، بر ادبیات فارسی خصوصاً ادبیات تعلیمی داشته است» (صفا، ۱۳۵۵: ۱۸۹)

۴- مشخص شدن میزان اثرپذیری شعر ناصر خسرو از نهج البلاغه.

#### ۴-۱- روش تحقیق

روش انجام تحقیق در این پایان‌نامه کتابخانه‌ای است و از منابع و مأخذ نام برده شده در بخش پایانی، استفاده شده است.

#### ۵- زندگی‌نامه حکیم ناصر خسرو

«ناصر خسرو از شاعرانی است که بسیار درباره‌ی او سخن گفته‌اند، اما نکته‌ی مشترکی که تقریباً در تمام آن‌ها یافت می‌شود. مردی جوینده‌ی حقیقت، خردگرا، خستگی‌ناپذیر و در خدمت دین و دانش را می‌شناساند.

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی یمگانی در سال ۳۹۴ هجری در قبادیان از نواحی بلخ متولد شد<sup>۲</sup> و در سال ۴۸۱ در یمگان بدخشان در گذشت. او از کودکی به کسب علوم زمان خود اشتغال ورزید و در جوانی به درگاه سلاطین و امرا راه یافت و از مال و مکتب دنیا برخوردار گشت سپس در سن چهل و دو سالگی به جهت خوابی که دید دگرگون شد و به عزم زیارت خانه‌ی خدا، ترک یار و دیار و مشاغل و مناصب گفت و هفت سال از عمر خود را یعنی از سال ۴۳۷ تا سال ۴۴۴ در این سفر سپری ساخت<sup>۳</sup>. (صفا، ۱۳۵۵: ۲۷۳)

سیر آفاق و انفس، و مشاهده‌ی عجایب و غرایب بلاد، و دیدن عادات و رسوم و آداب و سنن مردمان مختلف، و ملاقات دانشمندان و فضلا، و مناظره‌با اهل ادیان و مذاهب بیش از پیش جانب روحی او را راسخ و استوار ساخت و از همه مهمتر آن که در قاهره با مبلغان مذهب فاطمی آشنا

<sup>۲</sup> بگذشت مرا مادر بر مرکز اغیر (۲۸/۲۴۲)

نر خانم یاد آمد و نر گلشن و منظر (۵۶/۲۴۲)

<sup>۲</sup> - بگذشته ز هجرت بس سبید، نود و چار

<sup>۳</sup> - برخاستم از جای و سفر پیش گرفتم

گشت و نفوذ سخن آنان خاصه داعی بزرگ مذهب فاطمی المؤید فی الدین شیرازی و آمادگی روحی ناصر خسرو موجب گرویدن او به آن مذهب گردید و چون در ادب فارسی و عربی توانا و بر علوم عقلی و نقلی زمان خود مسلط بود از طرف المستنصر بالله هشتمین خلیفه‌ی فاطمی مصر مأمور تبلیغ در ناحیه‌ی خراسان گشت و به لقب رسمی «حجّت جزیره‌ی خراسان» ملقب گردید و در بازگشت خود به ایران با بیان و کلام نیرومند خود مبارزه‌ی ریشه‌دار و عمیق خود را علیه خلفا و سلاطین و امرا و حکام آغاز کرد و به دنبال آن فقها و محدثان و شعرا و متکلمان را که از خلافت بغداد حمایت می‌کردند به باد انتقاد گرفت و برای ایمن بودن از آسیب و گزند آنان به درّه‌ی یمگان واقع در بدخشان که حکومتی مستقل خارج از حوزه‌ی سلاجقه داشت پناهنده شد و در همان جا دیده از جهان فرو بست». (محقق، ۱۳۸۶: ده)

#### ۱-۵-۱- مذهب ناصر خسرو

شیعی مذهب بودن ناصر خسرو قبل از ۴۴ سالگی یعنی سالی که به محضر فاطمیان مصر رسید و به مذهب اسماعیلیه گروید مسلم نیست و بعید نمی‌نماید که قبل از آن وی چون دیگر مردم بلخ و خراسان به مذهب اهل سنت می‌رفته است، چه اشارات فراوانی هم در دیوان او به این مسأله دیده می‌شود اما پس از مسافرت به مصر وی به طریقه باطنیه اسماعیلیه رو کرده و به خلفای فاطمی مصر گرویده و چنان که مذکور افتاد در این مذهب به درجه‌ای عالی رسیده و حجت سرزمین خراسان شده و به تبلیغ مذهب تازه خود پرداخته است. انتخاب مذهب جدید در اشعار او آثار فراوانی گذاشته است. او جامع تمام علوم ظاهری و باطنی است در حکمت و فقه و حدیث و تصوف صاحب دستگاه بوده، سختی‌های بسیار کشیده است و از جمله بیست سال در غار یمگان که در کوه‌های بدخشان است معتکف بوده او از خدمت شیخ ابوالحسن خرقانی استفاده نموده و گفته‌اند که با فاریابی مباحثه کرده و با ابوعلی سینا دوستی داشته است.

#### ۱-۵-۲- آثار و تألیفات ناصر خسرو

##### الف) آثار منظوم :

۱- دیوان اشعار و آن مشتمل است بر بیش از ده هزار بیت قصیده و چند قطعه و اییات متفرقه در موضوع های حکمی و دینی و اخلاقی، در دیوان حاضر او از اشعار و آثاری که شاعر در دوران

جوانی و پیش از تغییر حال خود شاید سروده باشد اثری نیست و می توان تصور کرد که اگر چونان اشعاری داشته است به میل خود به دست فراموشی سپرده است. منقح‌ترین چاپ دیوان اشعار ناصر خسرو به سال ۱۳۰۷ با تصحیح مردم حاج سید نصرالله تقوی و اهتمام آقای مجتبی مینوی با مقدمه‌ای از آقای تقی زاده و تعلیقات مرحوم دهخدا در تهران منتشر شده این چاپ مشتمل بر ۱۱۰۴۷ بیت است و منظومه های روشنائی نامه و سعادت نامه و نیز رساله ای به نثر در جواب نود و یک سوال فلسفی را همراه دارد. (منبع اصلی در این پایان‌نامه صرفاً دیوان ناصرخسرو تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق می‌باشد که انتشارات دانشگاه تهران آن را در سال ۱۳۸۴ چاپ نموده است.)

۲- مثنوی روشنائی نامه مشتمل بر ۵۹۲ بیت در بحر هزج است در وعظ و پند و حکم و به ضمیمه دیوان اشعار او در تهران چاپ شده است

۳- سعادت نامه مثنوی سیصد بیتی است که با این بیت شروع می شود:

دلا همواره تسلیم رضا باش      به هر حالی که باشی با خدا باش

این مثنوی هم به ضمیمه دیوان ناصر خسرو در تهران چاپ شده است.

#### ب) آثار مثنوی:

۱- رساله در جواب نود و یک سوال فلسفی

۲- سفرنامه، یا مهترین اثر مثنوی ناصر خسرو این کتاب مشتمل است بر شرح مشهودات حکیم در سفر هفت ساله ای که به ایران و آسیای صغیر و شامات و مصر و عربستان کرده است، کتاب سفرنامه ابتدا به اهتمام شفر در سال ۱۸۸۱ در پاریس به طبع رسید و بعداً به سال ۱۳۱۴ هجری شمسی منضم به دیوان در تهران چاپ شده و بار دیگر به سال ۱۳۴۰ هـ ق در برلن تجدید چاپ شد.

۳- زادالمسافرین، حاوی اصول عقاید حکیمانه و فلسفی ناصر خسرو است و به منظور اثبات عقاید اسماعیلیه به سال ۴۵۳ آن را حکیم در غربت و مهاجرت تألیف کرده است و در اشعار خود فراوان از این کتاب نام برده و بدین تألیف خود بالیده است.

زادالمسافر است یکی گنج من      نثر آن چنان و نظم از این ساکن کنم

این کتاب به سال ۱۳۴۰ هـ ق به همت مرحوم ادوارد براون و محمد بذل الرحمن هندی در برلن چاپ شده است.

۴- گشایش و رهایش هم رسالهٔ مثنوی دیگر است که ناصر خسرو در جواب سی فقره سوال و مشکلات یکی از برادران مذهبی خود تصنیف کرده است.

۵- خوان الاخوان یا خوان اخوان نیز یکی دیگر از کتب ناصر خسرو است که به همت آقای دکتر یحیی الخشاب به سال ۱۳۵۹ هـ ق در قاهره چاپ شده است.

۶- وجه دین یا روی دین نیز نام یکی دیگر از آثار مثنوی ناصر خسرو است در شرح و تأویل عبادات و احکام شریعت اسماعیلیه.

۷- جامع الحکمتین یکی دیگر از کتب مثنوی ناصر خسرو است، وی این کتاب را در شرح و پاسخ قصیدهٔ خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی و به خواهش عین الدوله ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث امیر بدخشان به سال ۴۲۶ نگاشته است.

علاوه بر کتابهایی که مذکور افتاد و در صحت انتسابشان به حکیم تردیدی نیست. کتب دیگری نیز به ناصر خسرو منسوب است، از آن جمله است رساله ای در سرگذشت حال وی که کتاب مجعول پر از افسانه ای است. در همین رساله کتابهای دیگری به ناصر خسرو نسبت داده شده و در بعضی تذکره‌ها، از قبیل تذکره الشعراى دولت‌شاه و کشف الظنون نیز به وجود بعضی این کتب اشاره ای شده است اما امروز اثری از این تصنیفات در دست نیست، کتابهای منسوب به ناصر خسرو عبارت است از، ۱- اکسیر اعظم، در منطق و فلسفه ۲- قانون اعظم در علوم عجیبه ۳- المستوفی در فقه ۴- دستور اعظم ۵- تفسیر قرآن ۶- رساله‌ای در علم یونان ۷- کتابی در سحریات ۸- کنز الحقایق. و نیز رساله‌ای به عنوان «سرالاسرار» در تسخیر کواکب بد و منسوب است و در مقدمه‌ی دیوان طبع هندوستان وی چاپ شده است که به کلی مجعول است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه‌ی ناصر خسرو)

### ۱-۵-۳- عهد جوانی و تحصیلات علمی ناصر خسرو

ناصر خسرو از ابتدای جوانی در تحصیل علم و فنون و ادبیات رنج فراوان برده، قرآن را حفظ نمود و تقریباً در تمام علوم عقلی و نقلی آن زمان و مخصوصاً علوم یونانی از ارثماطیقی و مجسطی بطلمیوسی و هندسه اقلیدس و طب و موسیقی و بالخصوص علم حساب و نجوم و فلسفه و همچنین در علم کلام و حکمت متألهین تبخّر پیدا کرده و خود در اشعار خویش و سفرنامه و سایر کتابهای خود مکرر به احاطه خود به این علوم و مقام عظیم فضل و دانش خود اشاره می کند و مخصوصاً